معنای فاعلی «تجزئة العدد»؛ ذات او معدود عدد واقع نمی‌شود

«تجزئة العدد» یعنی آن طوری که عدد بیایی و تجزیه بدهی و متجزی بکنی. نه اینکه مثلاً پنج، به پنج تا یک متجزی شود. بلکه پنج بیایی و معدود داشته باشد. عدد، چه زمانی تجزیه می‌کند؟ آن وقتی که عدد پنج، معدودی دارد که آن معدود را با پنج می‌شماری. اگر معدود شما یک باشد، پنج، قدرت ندارد آن را تجزیه کند. وقتی معدود شما متشتت، متفرق و متجزی است، عدد این قدرت را پیدا می‌کند که بیایی و آن را بشمارد. البته [علامه‌ی مصطفوی] در التحقیق [در تفاوت میان] «احصاء»، «عدّ» و «حساب»، مطالب خوبی را فرموده‌اند. اگر فرصت شد، عرض می‌کنم. «لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدّاً»[1]، «حصی» سنگریزه است. «احصاء» به‌معنای شمارش است. «حساب» هم به‌معنای شمارش است. «عدّ» هم شمردن است. فرق اینها چیست؟ فرق‌های ظریفی دارند. کما اینکه «بعض» و «جزء» و «فرد» اینطور هستند. مرحوم آقای مصطفوی رضوان اللّه علیه، فرق‌های اینها را به نحوایی بیان کرده‌اند. البته [این مقدار تفاوت] بر اساس ذهن یک نفر است؛ محققی که یک عمر زحمت کشیده است و تراثی را از خود بر جای گذاشته است. مثل من طلبه‌ای هم که الان محضر شما هستم و بی ادبی می‌کنم، قدر ندانستم. خودم را عرض می‌کنم؛ علی أیّ حال، هر عالمی زحمتی که می‌کشد، تراثش اوست، باید دیگران قدر آن را بدانند. وقتی ما مراجعه نکنیم و اسمی از آن نبریم، همینطور می‌ماند. احیای اینها، به این است که دیگران به فکر باشد و الا آنها زحمت خودشان را کشیده‌اند.

«احصاء»، «حساب»، «عدّ»، «بعض»، «جزء» و «فرد». فرد انسان است، بعض الانسان کاتب. فرد من الانسان کاتب. «لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ»[2]. برای جهنم است.

خُب، در اینجا اگر «تجزئة العدد» را مبنی للفاعل بگیریم، معنایش چه می‌شود؟ حضرت علیه السلام نمی‌خواهند صرفاً بگویند چون عدد قابل تجزی در خودش است، خدای متعال اجزای تحلیلی ندارد. این حرف، ولو درست است و مشکلی ندارد، اما در اینجا چون فرموده‌اند: «لم یتفاوت فی ذاته» یعنی نقص ندارد و سر و پا کمال دارد، توهم این می‌شد که به تعداد هر نقصی، او کمالی دارد. کمالی که خدای متعال دارد، از رفع آن نقایص است. حضرت علیه السلام می‌فرمایند: ما با جمله‌ی قبل، کمالات را آوردیم اما «لم یتبعض بتجزئة العدد» یعنی در کمالات خداوند متعال، معدود نداریم که بگوییم علم، قدرت، حیات؛ که شروع کنیم اینها را به‌عنوان معدود با عدد بشماریم. همه را داریم، اما در کمال او معدود نداریم. یعنی «لیست بمعانی الکثیرة، احدیّ المعنی».

خُب، اگر به این صورت باشد، یک معنای ظریفی هم برای مصدری که مبنی للفاعل است، در اینجا، متصور است. تجزی کردن عدد، کمال او را.

[1]. مریم، آیه‌ی ۹۴.

[2]. حجر، آیه‌ی ۴۴.

بازبینی #2
ایجاد شده 29 ژانویه 2024 15:30:34 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 فوریه 2024 16:38:18 توسط ... .